یکشنبه ۹ دی ۱۴۰۳
۰۱۴
شماره ۴۳۱۶
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

نظریه و روش زنجیره‌ای در جریان‌پژوهی در گفت‌وگو با استاد دانشگاه تهران

بدون داشتن نظریه و روش، پدیده‌ها قابل فهم نیستند

سیدحسین امامی
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی

کتاب «نظریه و روش زنجیره‌ای در جریان‌پژوهی» نوشته علی اکبر علیخانی، استاد تمام دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران توسط مؤسسه انتشارات نگاه معاصر منتشر شده است. در این کتاب نویسنده یک چهارچوب نظری و یک روش تحقیق برای شناخت جریانی پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و انسانی ارائه داده است. «فرهیختگان» در گفت‌وگو با نویسنده این کتاب ابعاد مختلف این نظریه و نحوه کاربرد آن‌ها را در پژوهش‌های جریان‌شناسانه واکاوی کرده است. در این گفت‌وگو به ابعاد مختلف نظریه زنجیره‌ای برای جریان‌پژوهی پرداخته شده و در ادامه بر روش تحقیق برای جریان‌پژوهی تمرکز شده است.

دویخش اصلی کتاب شما نظریه و روش است. نظریه و روش چه اهمیتی دارند؟

بدون داشتن و یابندی به نظریه‌ها و روش‌های مناسب و کارآمد در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی، پدیده‌ها، مسئله‌ها، موضوعات، تحولات و رفتارها در جوامع انسانی به‌درستی قابل فهم نخواهند بود و به دنبال آن انواع مسئله‌ها و بحران‌ها حل نشده، انباشته می‌شوند. در این مسیر تبلیغات، اقدامات نمایشی، فعالیت‌های رسانه‌ای، انجام پژوهش‌های غیراستاندارد، تظاهر به روش، روی آوردن به شعارنویسی و شعاردادن و مواردی از این قبیل نمی‌تواند یک شناخت واقع‌گرایانه به دست بدهد و از این طریق افراد و مؤسسات در اصل خود فریب می‌دهند. دلیل و ضرورت نظریه یا چهارچوب نظری، معنابخشی به پدیده‌ها و شناخت علّی ماهیت و ریشه‌های آن‌هاست. دلیل و ضرورت روش، اطمینان از درستی سیر انجام پژوهش و پرهیز از دستیابی به نتایج تحقیق است. انجام تحقیق برای شناخت و فهم پدیده‌ها، موضوعات، تحولات و رفتارها در جوامع انسانی در سطوح فردی، محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و حل مسئله‌های مربوطه صورت می‌گیرد بنابراین ضعف در نظریه و روش به نقص در شناخت این‌ها و ناتوانی در حل مسئله‌ها منجر خواهد شد.

بحث جریان‌شناسی و جریان‌پژوهی از کجا آمد؟ چون تا جایی که ما می‌دانیم حوزه تخصصی شما اندیشه سیاسی است و فیلاً هم کتاب «روش لایه‌ای اندیشه‌پژوهی» را منتشر کرده‌اید. آیا بحث جریان‌پژوهی ارتباطی با مباحث اندیشه سیاسی دارد؟

اولاً بحث جریان‌پژوهی در کتاب من چنانکه از نامش پیداست پیش از آنکه به موضوع و مصادق بپردازد یک چهارچوب نظری و روش تحقیق است. نظریه یا چهارچوب نظری و روش تحقیق را برای انجام پژوهش در موضوعات مختلف می‌توان به کار بست. پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، انسانی و از جمله اندیشه‌ها را با چهارچوب‌های نظری و روش‌های مختلف می‌توان شناخت. بنابراین من از منظر نظریه و روش وارد بحث جریان‌پژوهی شده‌ام و بحث «روش» و «نظریه» از جمله دغدغه‌ها و حوزه‌های مطالعاتی من طی ربع قرن گذشته بوده است. تاثیرِ بحثی از تمرکز پژوهشی و تخصصی من جریان‌های اندیشه‌ای و فکری در جهان اسلام و به‌ویژه ایران بوده است. ثانیاً یکی از راه‌های شناخت و فهم پدیده‌های انسانی - اجتماعی یا معنابخشی به آن‌ها حتی شناخت مکاتب و نظریه‌های علمی - شناخت جریانی و بررسی جریان‌شناسانه و جریان‌پژوهانه آن‌هاست. شناخت یا «خودبسنده» است به این معنی که برای خود انسان قابل اتکاست و دیگران نیز به سبب اعتماد یا احترام به نظر کارشناسی ممکن است آن را بپذیرند. یا اینکه شناخت «دیگربسنده» است، به این معنی که برای دیگران نیز قابل اتکا و قابل اعتماد است و این نوع شناخت از راه پژوهش به دست می‌آید و استدلال‌ها یا اسناد و مدارک آن در دسترس و معرض قضاوت دیگران نیز قرار دارد. به همین دلیل بحث مستوفایی در کتاب مطرح کرده‌ام و من «جریان‌شناسی» یا «جریان‌پژوهی» تفاوت قائل شده‌ام. مقصودم در کتاب نوع دوم شناخت یعنی جریان‌پژوهی است.

جریان‌ها چیستند و چه اهمیتی دارند؟

اغلب قریب به اتفاق تحولات جوامع انسانی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، فلسفی، اندیشه‌ای، حقوقی، هنری، ادبی، سینمایی، رسانه‌ای، مذهبی و... از طریق جریان‌ها اتفاق می‌افتد. ایده‌ها، اندیشه‌ها، نظرات، مکاتب، نظریه‌ها و... تا زمانی که جنبه جریانی به خود نگیرند و تا زمانی که به جریان تبدیل نشوند نمی‌توانند در سطح موثر و گسترده تاثیرگذار باشند.

یعنی چهارچوب نظری و روشی که جنابعالی ارائه داده‌اید برای شناخت جریان‌ها در تمام حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، هنری، ادبی، سینمایی، رسانه‌ای، مذهبی، فلسفی، اندیشه‌ای و... کاربرد دارد؟

بله همین طور است. چون یک چهارچوب نظری و روش کلی برای پژوهشگران است. هر پدیده‌ای را می‌توان از منظر جریانی یا این نظریه و روش مطالعه و فهم کرد، مشروط به اینکه جریان باشد. البته گستره جریان‌های اجتماعی و فرهنگی زیاد و گستره جریان‌های علمی و اندیشه‌ای کم است، ولی هر دو جریانند. ویژگی‌های جریان را در کتاب ذکر کرده‌ام.

از پاسخ‌دادن می‌توان فهمید که بسیاری از پدیده‌های انسانی و اجتماعی جریان نیستند؟

بله درست است. برخی از پدیده‌های انسانی و اجتماعی هنوز به جریان تبدیل نشده‌اند ولی قابلیت تبدیل شدن به جریان را دارند. ممکن است به جریان تبدیل بشوند یا نشوند. برخی پدیده‌ها نیز اساساً ظرفیت و قابلیت تبدیل شدن به جریان را ندارند. برخی نیز در سطح اندیشه، نظریه، مکتب و... هستند و در همان سطح باقی می‌مانند و اساساً جریان نیستند. هر کدام از این‌ها ویژگی‌ها، کارکردها و پیامدهای خاص خودشان را دارند.

شناخت جریانی یا جریان‌پژوهانه چه نوع شناختی است؟

این نوع از شناخت با نظریه و روش زنجیره‌ای؛ از بیرون و از بالا به کلیت پدیده و تحولات می‌نگرد، سپس تحلیل، سیر انجام آن را می‌بیند، زمینه‌ها، ریشه‌ها، علل و عوامل بروز و ظهور پدیده را می‌کاود، کنشگران پدیده را بررسی می‌کند، آثار و پیامدهای آن را نشان می‌دهد و به تحلیل، تفسیر و نقد پدیده می‌پردازد. وسیع‌کنندگی دارد. (محرک جمعی و اجتماعی) ۱۶. جهت و عملکرد کلی جریان در راستای منویات مدنیان است ولی امور متعدد و جزئی اتفاق می‌افتد که مورد نظاز مدنیان نبوده است. (کشورداری در عمل) ۱۷. گاهی جریان از مسیر مورد نظر نیایگذاران و مدنیان خارج می‌شود. به عبارت دیگر وجود کامل و جامع و دقیق به‌خصوص در سطح پیروان و هواداران- تحت کنترل مدنیان نیست (تقریباً مغیرپتانپذیری) ۱۸. جریان‌ها فاقد سلسله مراتب اداری یا مکاتبات رسمی هستند، در عین حال یک سلسله مراتب یا مرجعیت عرفی، رسانه‌ای یا پیشکسوتی در آن‌ها دیده می‌شود. (سلسله مراتب غیررسمی)

شاخص‌ها و مؤلفه‌های فوق در همین فضا قابل افزایش یا ادغام هستند، مجموع آن‌ها یا هم ماهیت یک جریان را شکل می‌دهند. پدیده‌های مشابه جریان هر کدام برخی از این شاخص‌ها را دارند ولی جمع جمع شدن آن‌ها به‌صورت یک جا در یک پدیده، قلمد در جریان اتفاق می‌افتد.

شما برای ساخت نظریه زنجیره‌ای مفاهیم متعددی را ابداع و آن‌ها را در بخش مربوط به نظام مفهومی جریان‌ها تعریف کرده‌اید؛ تعدادی از آن‌ها را نام می‌برید؟

بله مهم‌ترین بخش هر نظریه مفهوم‌سازی و نظام مفهومی آن است و نظریه‌پرداز باید در راستای هدف خود مفاهیم جدیدی را ابداع کند یا از مفاهیم موجود در ساخت نظریه‌اش استفاده کند؛ اما باید حدودتوجه آن‌ها را در نظریه‌اش مشخص کند. از جمله مفاهیمی که من در نظریه زنجیره‌ای آن‌ها را تعریف کرده‌ام عبارتند از: «فضاهای جریانی» شامل: فضای ذوای، فضای یکپارچه جریانی و فضای تاثه جریانی، «سرچشمه جریان»، «مفاهیم‌قائی و عرضی جریانی»، «کنشگران جریانی»، «خردجریان»، «هویت جریانی»، و «جریان‌های مکمل و انواع آن» مفاهیم متعددی هم در بخش‌های دیگر نظریه از جمله کارکرد درونی جریان‌ها تعریف کرده‌ام که در جای خود و به تناسب بحث خواهم گفت.

مضمودنان از جریان‌های مکمل چیست و چه انواعی دارند؟

جریان‌های مکمل پدیده‌هایی فراتر یا فروتر از جریان هستند یا بعضی ویژگی‌های جریـــان را دارند. برخی از جریان‌های مکمل نقش‌های عمیق‌تر، گســـترده‌تر و تعیین‌کننده‌تـــر از جریان‌های معمولی ایفا می‌کنـــد و یا دارای دیگر ضعیف‌تر، شکننده‌تر از جریان یا مقطعی هستند. با این حال شباهت بسیاری به جریان‌های معمولی دارند و با همین نظریه و روش زنجیره‌ای تا حد زیادی قابل فهم هستند. انواع جریان‌های مکمل عبارتند از: جریان نارس، جریان تهکار، فراجریان، جریان و فراجریان خاموش، جریان و فراجریان ساختاری، جریان و فراجریان چاپاری، شبه‌جریان و جریان‌ها و شبه‌جریان‌های ترکیبی.

شما در قسمت سوم نظریه‌تان درباره روابط و کارکرد درونی جریان‌ها بحث کرده‌اید. در این بحث به چه نوع روابط و کارکردهایی پرداخته‌اید؟

اولین بحث در این قسمت الگوهای تعامل و کشمکش جریانی است. جریان‌های سیاســـی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنـــری، علمـــی، صنعتی و... دارای تعاملات، روابط و کشمکش‌های فراوان آشکار و پنهان، مستقیم و غیرمستقیم، دوســـتانه یا خصمانه، گـــه زیاد و همزمان با غیرهم‌زمان با محیط و یکدیگر هســـتند. عرصه‌های مختلف جامعه و نظام‌های موجود در آن، عرصه‌های تعامل و رقابت و منازعه جریان‌ها با یکدیگر در «میدان‌های جریانی» است. «میدان‌های جریانی عرصه‌هایی هستند که جریان‌های هم‌موضوع، هم‌دغده‌ها و هم‌سفت‌ها با یکدیگر تلاقی می‌کنند، یکدیگر را می‌شناسند و درمی‌یابند که کدامیک رقیب یا مخالف یا ضد دیگری و کدامیک همسو یا آن‌هاست.» از جمله مفاهیمی که در این قسمت توجه و بحث کرده‌ام عبارتند از: رقابت جریانی، منازعه جریانی، هم‌افزایی جریانی، هم‌کاستی جریانی، بی‌تعادلی جریانی، واگیری جریانی، جبهه جریانی و انشعاب جریانی. دومین بحث در این قسمت به الگوهای پایایی و میرایی جریان‌ها می‌پردازد و تعاریف و مباحثی که ارائه شده عبارتند از: تداوم جریانی، چرخش جریانی، استحاله جریانی، انتقال جریانی، تناسخ جریانی، رکود جریانی و مرگ جریانی.

شما در کتاب بخشی راهم به بحث جریان‌ها در عرصه عمل اختصاص داده‌اید. در این قسمت چه ایعادی از پدیده جریان‌ها را مشخص کرده‌اید؟

در این بخش ابتدا درباره علل پیدایی جریان‌ها و آثار و پیامدهای جریان‌ها بحث کرده‌ام. در ادامه به انواع تأثیر و تأثر جریان نسبت به یکدیگر پرداخته‌ام. در ادامه به سطوح مختلف ظهور جریان‌ها و سنخ‌بندی آن‌ها اشاره کرده‌ام که عبارتند از: جریان‌های محلی، جریان‌های ملی، جریان‌های منطقه‌ای، جریان‌های جهانی، کلان‌جریان، جریان‌های فکری- نظری، جریان‌های میانی- عملی و جریان‌های نظری- عملی. در پایان این قسمت هم معیارهای دسته‌بندی جریان‌ها را بیان کرده‌ام هم در باره انواع ساخت جریان‌ها بحث کرده‌ام که عبارتند از: جریان‌شناسی، جریان پژوهی، جریان پژوهی جریان پژوهی‌ها، فلسفه جریان‌پژوهی و جریان‌پژوهی تاریخی.

آیا تاکنون این نظریه و روش در پژوهش‌هایی استفاده شده‌اند و نتیجه‌ها چه بوده است؟

بله تاکنون چند پایان‌نامه دکتری، فوق‌لیسانس و مقاله بر مبنای این نظریه و روش نوشته شده است. نویسندگان اظهار می‌کنند که نظریه و روش زنجیره‌ای به‌خوبی ذهن و تحقیق آن‌ها را جهت‌داده و موفق بوده است. با این حال به نظرم هنوز فضاوت زود است. باید منتظر نقد تحلیل‌ها و صاحب‌نظران باشیم.

آقای دکتر روش یا روش تحقیق چیست؟

روش را به معنای عام در حیات سیاســـی، اجتماعی و فرهنگی می‌توان شـــبوه نوع خاصی از دیدن، فهمیدن، تأمل کردن، فکر کردن، نوشـــتن و رفتار کردن در عرصه‌های مختلف زندگی دانست. «روشندی» به معنی حتی‌الامکان اتخاذ درســـت‌ترین راه ممکن است تا انسان را از مسیر هایی به مقصدهایی برساند که با یکی از بهترین هاســـت یا جز آن راه -برای رسیدن به نتیجه- ممکن نیست. شاید اغراق آمیز نباشد اگر علت اصلی موفقیت انسان‌ها را در عرصه فردی و دلیل تمام پیشرفت‌ها را در عرصه‌های اجتماعی و عمومی روش و روشندی بدانیم. همچنان که شـــاید بتوان سبب عمده مشکلات و مسئله‌های انسان را نیز در نوع دیدن، فهمیدن و نحوه تعامل آن‌ها با خود و جهان پیرامون دانست، اما نوع دیدن و فهمیدن و تعامل کردنی که نادرست بوده چون از قبل محاسبه‌شده و تجربه‌شده نبوده‌است. بی‌نظمی، درهم‌ریختگی، آشفتگی، شلختگی، تصمیم‌های لحظه‌ای، آزمون و خطا، بی‌برنامگی یا داشتن برنامه صوری، کارهای نمایشی و مواردی از این قبیل ضدروش است. اما «معنای عام روش» که در عرف علمی از آن سخن می‌رود، مفاهیمی مثل انسجام، نظم نوشتاری، فن تحقیق، شیوه خاص نوشتن، متن نگارشی، اصول و قواعدی که فقط پژوهشگران آن‌ها را می‌دانند و مواردی از این قبیل را به ذهن متبادر می‌کند. روش و روشمندی در عرف علمی ابعاد و انواع مختلفی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به: «روش پژوهیدن»، «روش اندیشیدن» و «روش فهمیدن» اشاره کرد. اگرچه تا سخن از روش به میان می‌آید اذهان متوجه روش پژوهش می‌شـــود ولی روش اندیشیدن و روش فهمیدن نیز اهمیت بالایی دارند و این هر ســـه با هم مرتبطند. بنابراین تعریف کلی که نگارنده از «روش» به معنای عام در عرف علمی» در کتاب روش لایه‌ای در اندیشـــه‌پژوهی ارائه داده‌ام با شرح زیر است:

«روش عبارت اســـت از مجموعه‌ای از قالب‌ها یا اصول و قواعد که اندیشیدن، پژوهیدن و فهمیدن اندیشـــه‌ها، پژوهش‌ها و کنش‌های دیگران را با نظام‌مندی و هدفمندی از کارآمدترین راه‌فراهم می‌کند.» در کتاب روش لایه‌ای در اندیشه‌پژوهی انواع روش را دسته‌بندی کرده و تعاریف هرکدام را ارائه داده‌ام.

نظریه و روش چه اهمیتی دارند؟

در اهمیـــت نظریه و روش باید گفت که بدون داشـــتن و یابندی به نظریه‌ها و روش‌های مناسب و کارآمد در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی؛ پدیده‌ها، مســـئله‌ها، موضوعات، تحولات و رفتارها در جوامع انسانی به‌درستی قابل فهم نخواهند بود و به‌دنبال آن انواع مسئله‌ها و بحران‌ها حل نشده انباشته می‌شوند. در این مسیر تبلیغات، اقدامات نمایشی، فعالیت‌های رسانه‌ای، انجام پژوهش‌های غیراستاندارد، تظاهر به روش، روی‌آوردن به شعارنویسی و شعاردادن و مواردی از این قبیل نمی‌تواند یک شناخت واقع‌گرایانه به دســـت بدهد و از این طریق افراد و مؤسسات در اصل خود فریب می‌دهند. دلیل و ضرورت نظریه یا چهارچوب نظری، معنابخشـــی به پدیده‌ها و شناخت علّی ماهیت و ریشـــه‌های آن‌هاست. دلیل و ضرورت روش، اطمینان از درستی سیر انجام پژوهش و پرهیز از دستیابی به نتایج تحقیق است. انجام تحقیق برای شناخت و فهم پدیده‌ها، موضوعات، تحولات و رفتارها در جوامع انسانی در سطوح فردی، محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و حل مسئله‌های مربوطه صورت می‌گیرد بنابراین ضعف در نظریه و روش به نقص در شناخت این‌ها و ناتوانی در حل مسئله‌ها منجر خواهد شد.

دو بحث کلی‌تر هم داریم که بحث روش‌شناسی و جریان‌پژوهی از کجا آمد؟ چون تا جایی که ما می‌دانیم حوزه تخصصی شما اندیشه سیاسی است و فیلاً هم کتاب «روش لایه‌ای اندیشه‌پژوهی» را منتشر کرده‌اید. آیا بحث جریان‌پژوهی ارتباطی با مباحث اندیشه سیاسی دارد؟

اولاً بحث جریان‌پژوهی در کتاب من چنانکه از نامش پیداســـت پیش از آنکه به موضوع و مصادق بپردازد یک چهارچوب نظری و روش تحقیق اســـت. نظریه یا چهارچـــوب نظری و روش تحقیق را برای انجام پژوهش در موضوعات مختلف می‌توان به کار بســـت. پدیده‌های سیاسی، اجتماعی، انسانی و از جمله اندیشه‌ها را با چهارچوب‌های نظری و روش‌های مختلف می‌توان شناخت. بنابراین من از منظر نظریه و روش وارد بحث جریان‌پژوهی شده‌ام و بحث «روش» و «نظریه» از جمله دغدغه‌ها و حوزه‌های مطالعاتی من طی ربع قرن گذشته بوده است. ثانیاً تحتی تأثیر تمرکز پژوهشی و تخصصی من جریان‌های اندیشه‌ای و فکری در جهان اســـلام و به‌ویژه ایران بوده است. ثالثاً یکی از راه‌های شناخت و فهم پدیده‌های انســـانی - اجتماعی یا معنابخشی به آن‌ها حتی شناخت مکاتب و نظریه‌های علمی، شـــناخت جریانی و بررسی جریان‌شناسانه و جریان‌پژوهانه آن‌هاست. شـــناخت یا «خودبسنده» است به این معنی که برای خود انسان قابل اتکاست و دیگران نیز به سبب اعتماد یا احترام به نظر کارشناسی ممکن است آن را بپذیرند. یا اینکه شناخت «دیگربسنده» است به این معنی که برای دیگران نیز قابل اتکا و قابل اعتماد است و این نوع شناخت از راه پژوهش به دست می‌آید و استدلال‌ها یا اسناد و مدارک آن در دسترس و معرض قضاوت دیگران نیز قرار دارد. به همین دلیل بحث مستوفایی در کتاب مطرح کرده‌ام و من «جریان‌شناسی» یا «جریان‌پژوهی» تفاوت قائل شده‌ام. مقصودم در کتاب نوع دوم شناخت یعنی جریان‌پژوهی است.

جریان‌ها چیستند و چه اهمیتی دارند؟

اغلب قریب به اتفاق تحولات جوامع انسانی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، فلسفی، اندیشه‌ای، حقوقی، هنری، ادبی، سینمایی، رسانه‌ای، مذهبی و... از طریق جریان‌ها اتفاق می‌افتد. ایده‌ها، اندیشه‌ها، نظرات، مکاتـــب، نظریه‌ها و... تا زمانی که جنبه جریانی به خود نگیرند و تا زمانی که به جریان تبدیل نشوند نمی‌توانند در سطح موثر و گسترده تاثیرگذار باشند.

شما در کتاب روش زنجیره‌ای در جریان‌پژوهی پنج مرحله و هرگام چند حلقه و هر حلقه چند اقدام دارد، مراحل را نام بردید، اگر امکان دارد حلقه‌های هر مرحله را نیز نام ببرید؟

نخستین مرحله روش تحقیق «زنجیره‌ای»، «هویت پژوهی جریان» است، به این معنی که ایتدا نشان داده شود پدیده مورد مطالعه براساس تعاریف و شاخص‌های نظریه زنجیره‌ای، اولاً جریان اســـت و هویت جریانی دارد و ثانیاً چه نوع هویت کلی و جزئی دارد، یعنی سیاســـی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و... است و اگر علمی است مثلاً فقهی یا فلسفی یا اخلاقی، یا توسعه سیاسی، یا سکولار است و اگر فلســـفی است هویت آن فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، فلسفه‌های مضاف یا... است و اگر فلسفه مضاف است فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق، فلسفه پزشکی، فلسفه ارتباطات، فلسفه قضای مجازی یا... است. همچنین قبل از ورود به فرایند پژوهش برای شـــناخت جریانی جریان‌ها، باید برخی ابهام‌ها و چشم‌اندازها روشن شود. مرحله هویت شناسی جریان ابتدا به پژوهشگر و مخاطب نشان می‌دهد که چرا آن پدیده جریان تلقی می‌شود و آیا شایسته پژوهش به عنوان جریان اســـت؟ و در وهله دوم نقطه رأسی است که پژوهشگر تعیین می‌کند طبق آن حرکت کند و موارد تعیین شده را در طول تحقیق به کار بندد. در این مرحله باید برخی مطالعات اولیه درمورد جریان مورد بحث صورت گیرد. این مرحله چهار حلقه از تحقیق را به سامان می‌رساند که عبارتند از: نخست: تعریف و شاخص‌های جریان، دوم: شناخت سیر تکوین جریان، سوم: خودجریان‌ها و عناصر جریان‌ها و سایر جریان و چهارم: زمینه‌های ظهور جریان. هر حلقه دارای گام‌هایی است که توضیح هر کدام در کتاب آمده است.

مرحله دوم در روش زنجیره‌ای به شـــناخت عاملان و بازیگران جریان اختصاص دارد. مقصود از کنشگران جریانی تمام کسانی اند که بنحوی در راستای اهداف جریان ایفای نقش می‌کنند. عاملان جریان کنشگران اصلی اند که تداوم جریان قائم به آن‌هاست. در این مرحله پژوهشـــگر باید شـــناخت خود را از جریان به کنشگران جریان مرحله دوم پژوهشـــگر باید تهیه می‌شـــود. در شناســـه جریان‌پژوهشـــگر ابتدا جریان را تعریف می‌کند و ســـپس فقط در قالب گزاره‌های دوگزاره‌ای در هر موضوع باید مواردی را که در جدول مربوطه تعیین‌شده تکمیل کند. در تدوین شناســـنامه جریان نکات زیر قابل ذکر است:

۱. تمـــام تعاریف و مباحث مربوط به شناســـنامه جریان پیش‌تر در متن تحقیق آمده است و نیازی به توضیح در جدول نیســـت. گذر گزاره‌های تک‌جمله‌ای یا فعل یا بدون فعل کافی است.

۲. تعداد شاخص‌های میانی جریان به تناســـب موضوع شاخص و جریان متفاوت است. ممکن است یک جریان مثلاً دارای سه شاخص هستی‌شناختی و دمشاخص ارزش‌شناختی و پنج‌شاخص سیاسی باشـــد و تعداد شاخص‌های جریان دیگری عکس این باشد.

۳. فقط محور ها و موضوع‌های اصلی که بتوانند هویت، میانی و چهارچوبی جریان را نشان دهند در شناسنامه می‌آیند. جدولی در این بخش از کتاب طراحی شده و مواردی را که باید درمورد هر جریان ذکر شود در جدول آورده‌ام.

نتیجه‌گیری چطور؟ آیا در روش زنجیره‌ای برای جریان‌پژوهی نتیجه‌گیری متفاوت از جمع‌بندی دیده شده است؟

بله متفاوت اســـت. در سایر پژوهش‌ها فقط با جمع‌بندی یا نتیجه‌گیری در پایان تحقیق آورده می‌شود، اما در جریان‌پژوهی باید هر دو نوشته شوند. در نتیجه‌گیری بایـــد «نظام جامع و الگوی جریان» طراحی شـــود. در طول تحقیق جریان‌پژوه نظام جهان‌بینی و اندیشگی جریان را در مرحله سوم و نظام عملکردی جریان را در مرحله چهارم، طراحی و تدوین کرده است. در سایر مراحل نیز اشراف تقریباً کاملی نسبت به ابعاد مختلف جریان پیدا کرده است. در نتیجه‌گیری شایسته اســـت نظام جامع جریان طراحی شود. درصورتی که مراحل و گام‌های پیش گفته به‌خوبی طی شده باشند؛ پژوهشگر می‌تواند به بازسازی، طراحی، تدوین و ترسیم نظام کامل جریان در قالب یک ســـیســـتم بپردازد و الگوهایی نیز از آن استخراج کند. در این صورت، تمام مبانی، ابعاد و وجوه نظام اندیشگی و عملکردی جریان و خروجی آن به مخاطب نشان داده می‌شود.

در تدوین نظام جامع، هر جریانی دست‌کم از چهار وجه قابل بررسی است و هر وجه دارای درجات مختلفی است، این وجوه عبارتند از:

۱. عمق: منظور از عمق، میزان پیچیدگی دســـتگاه فکری و غایت جریان، اجزای متکثر و تخصصی بودن آن است.

۲. کارایی: منظـــور از کارایی میزان عملی و کاربردی‌بودن، و تأثیرات مثبت -یا منفی- آن است.

۳. عملکرد: مجموع عملکرد جریان در قالب یک نظام در ســـنجش با ســـایر اجزای جریان دیده می‌شود.

۴. جامعیت: مقصود از جامعیت بخشـــی نبودن موضوعات و مسائل و ارتباط نظام‌مند آن‌ها با خودشان و با سایر نظام‌های فکری جامعه است.

در طراحی نظام فکری و عملکردی جریان، عمق آن از بقیه مهم‌تر، کارایی در درجه دوم، عملکرد در درجه سوم و جامعیت در درجه بعدی اهمیت قرار دارد. به این دلیل که اگر جریان عمیق و پیچیده باشد کارایی و جامعیت را در خودش پیش می‌کند. همچنین در بسیاری از جریان‌ها، گاهی آشفتگی و در پاره‌ای از مواردتضاد و تناقض در تفکرات و عملکرد آن‌ها دیده می‌شود، اغلب این آشفتگی‌ها، تضادها و تناقضات با فهم بیشتر و عمیق‌تر جریان یا درک روح جریان و اهداف عاملان آن حل یا قابل فهم می‌شود، با این حال ممکن است در برخی مواقع جریان به واقع دارای تضاد و تناقض و آشفتگی باشد. پس از طی گام‌های قبلی که پژوهشگر به تحلیل، تبیین، تفسیر و نقد جریان متفکر مورد مطالعه می‌پردازد به‌آسانی می‌تواند آشفتگی‌ها، تضادها و تناقضات فکری، روشی، کارکردی، عملکردی و... را کشف و تحلیل یا توجیه کند و نشان دهد که تا چه حد حل‌شدنی و تا چه حد غیرقابل حل است. طراحی نظام جامع و الگوراهی توان از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش‌دانست. طراحی یک نظام و الگوی حتی‌الامکان عملی، جامع، دقیق، و درست به میزان دانش، خلاقیت و تلاش پژوهشگر بستگی دارد. این الگو عمدتاً پیشینی و نظری است که در آن تلاش می‌شود جریان استخراج و ساماندهی می‌شود. نکته مهم‌تر این است که پژوهشگر همان نظام و الگو، مطور مشخص و دقیق نشان دهد که اگر جریان موردبحث به اهدافش برسد چه اتفاقاتی می‌افتد و خروجی عینی و نتایج عملی آن چه خواهد بود. ملاّ ممکن است در حوزه جریان‌های سیاسی، پژوهشگری معتقد باشد نتیجه و خروجی جریان‌های جهادی و تکفیری درنهایت حکومت داعش است؛ یا نتیجه جریان سلفی مالاً حکومت طالبان است؛ یا مالاً نتیجه و خروجی جریان فقه سیاسی شیعی، نهایتاً ولایت‌فقیه یا حکومت جمهوری اسلامی ایران است. برای هر جریانی یک تجلّی عینی و عملی قابل پیش‌بینی است که الگوی آن می‌تواند در این مرحله تدوین شود.

مرحله چهارم روش زنجیره‌ای «رفتارپژوهی جریان» را تحقیق می‌کند و ابعاد مختلف کنش‌های جریان را در چند حلقه بحث برای مخاطب روشن می‌کند. حلقه‌های این مرحله عبارتند از: نخست شناخت عملکرد و مواضع جریان؛ دوم شناخت شـــبکه ارتباطی و مخاطبان جریان؛ سوم نقد جریان؛ و چهارم تدوین نظام‌عملکردی جریان.

پنجمین مرحله روش زنجیره‌ای جریان‌پژوهی «محیط‌پژوهی جریان» است. مرحله محیط‌پژوهی جریان فرایند رفتن از جریان مورد مطالعه، گذار از مرزها و محدوده جریان و مشـــاهده آن در محیط پیرامونی و فضای ملی و جهانی و سنجش آن با واگرفلســـفی اســـت هویت آن فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، فلسفه‌های مضاف یا... است و اگر فلسفه مضاف است فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق، فلسفه پزشکی، فلسفه ارتباطات، فلسفه قضای مجازی یا... است. همچنین قبل از ورود به فرایند پژوهش برای شـــناخت جریانی جریان‌ها، باید برخی ابهام‌ها و چشم‌اندازها روشن شود. مرحله هویت شناسی جریان ابتدا به پژوهشگر و مخاطب نشان می‌دهد که چرا آن پدیده جریان تلقی می‌شود و آیا شایسته پژوهش به عنوان جریان اســـت؟ و در وهله دوم نقطه رأسی است که پژوهشگر تعیین می‌کند طبق آن حرکت کند و موارد تعیین‌شده را در طول تحقیق به کار بندد. در این مرحله باید برخی مطالعات اولیه درمورد جریان مورد بحث صورت گیرد. این مرحله چهار حلقه از تحقیق را به سامان می‌رساند که عبارتند از: نخست: تعریف و شاخص‌های جریان، دوم: شناخت سیر تکوین جریان، سوم: خودجریان‌ها و عناصر جریان‌ها و سایر جریان و چهارم: زمینه‌های ظهور جریان. هر حلقه دارای گام‌هایی است که توضیح هر کدام در کتاب آمده است.

مرحله پنجم و ششم روش زنجیره‌ای «ارزش‌پژوهی جریان» و «هویت‌پژوهی جریان» است، به این معنی که ابتدا نشان داده شود پدیده مورد مطالعه براساس تعاریف و شاخص‌های نظریه زنجیره‌ای، اولاً جریان اســـت و هویت جریانی دارد و ثانیاً چه نوع هویت کلی و جزئی دارد، یعنی سیاســـی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و... است و اگر علمی است مثلاً فقهی یا فلسفی یا اخلاقی، یا توسعه سیاسی، یا سکولار است و اگر فلســـفی اســـت هویت آن فلسفه غرب، فلسفه اسلامی، فلسفه‌های مضاف یا... است و اگر فلسفه مضاف است فلسفه سیاسی، فلسفه حقوق، فلسفه اخلاق، فلسفه پزشکی، فلسفه ارتباطات، فلسفه قضای مجازی یا... است. همچنین قبل از ورود به فرایند پژوهش برای شـــناخت جریانی جریان‌ها، باید برخی ابهام‌ها و چشم‌اندازها روشن شود. مرحله هویت شناسی جریان ابتدا به پژوهشگر و مخاطب نشان می‌دهد که چرا آن پدیده جریان تلقی می‌شود و آیا شایسته پژوهش به عنوان جریان اســـت؟ و در وهله دوم نقطه رأسی است که پژوهشگر تعیین می‌کند طبق آن حرکت کند و موارد تعیین‌شده را در طول تحقیق به کار بندد. در این مرحله باید برخی مطالعات اولیه درمورد جریان مورد بحث صورت گیرد. این مرحله چهار حلقه از تحقیق را به سامان می‌رساند که عبارتند از: نخست: تعریف و شاخص‌های جریان، دوم: شناخت سیر تکوین جریان، سوم: خودجریان‌ها و عناصر جریان‌ها و سایر جریان و چهارم: زمینه‌های ظهور جریان. هر حلقه دارای گام‌هایی است که توضیح هر کدام در کتاب آمده است.

آیا جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در جریان‌پژوهی با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در سایر پژوهش‌ها تفاوت دارد؟

اولاً جمع‌بندی، نتیجه‌گیری، خلاصه و چکیده با هم تفاوت دارند. من در کتاب «روش لایه‌ای در اندیشه‌پژوهی» در پایان روش لایه‌ای، تعاریف هر کدام از این‌ها را آورده‌ام و برای هر کدام شاخص‌سازی کرده‌ام. ثانیاً جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در جریان‌پژوهی با سایر پژوهش‌ها تفاوت دارد.

در جمع‌بنـــدی جریان‌پژوهی، شناســـنامه جریان در قالب جدول تهیه می‌شـــود. در شناســـنامه جریان‌پژوهشـــگر ابتدا جریان را تعریف می‌کند و ســـپس فقط در قالب گزاره‌های دوگزاره‌ای در هر موضوع باید مواردی را که در جدول مربوطه تعیین‌شده تکمیل کند. در تدوین شناســـنامه جریان نکات زیر قابل ذکر است:

۱. تمـــام تعاریف و مباحث مربوط به شناســـنامه جریان پیش‌تر در متن تحقیق آمده است و نیازی به توضیح در جدول نیســـت. گذر گزاره‌های تک‌جمله‌ای یا فعل یا بدون فعل کافی است.

۲. تعداد شاخص‌های میانی جریان به تناســـب موضوع شاخص و جریان متفاوت است. ممکن است یک جریان مثلاً دارای سه شاخص هستی‌شناختی و دمشاخص ارزش‌شناختی و پنج‌شاخص سیاسی باشـــد و تعداد شاخص‌های جریان دیگری عکس این باشد.

۳. فقط محور ها و موضوع‌های اصلی که بتوانند هویت، میانی و چهارچوبی جریان را نشان دهند در شناسنام